

دیدار
هیأت
حزب ...



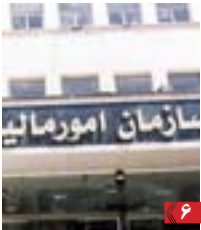
به سوی
آموزشی
همسو با...



فاجعه‌ای
ناگوار
کشتار ...



مالیات
دهندگان در
حکومت...



امتزاز به
حق تعیین
سرنوشت...



تأمین حقوق ملی خلق کرد در چهارچوب ایرانی دمکراتیک و فدرال

کوردستان

ارگان کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران

شماره ۵۹۳، سه شنبه، ۳۰ آبان ۱۳۹۱، ۲۰ نوامبر ۲۰۱۲، ۱۵۰ تومان

www.kurdistanmedia.com

۲۰ نوامبر، روز جهانی تصویب پیماننامه حقوق کودکان گرامی باد

روزنامه کوردستان به مناسبت پنجاه و سومین سالگرد انتشار اعلامیه‌ی حقوق کودکان و بیست و سومین سالگرد تصویب این پیماننامه از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به تمامی کودکان و نوجوانان کردستان به ویژه در کردستان ایران شادباش گفته و تحقق کلیه‌ی حقوق کودکان کرد را در سایه‌ی کردستانی آزاد و دمکراتیک آرزومند است.

مطرح شدن مسأله ملی کرد در پراگ

دمکراسی صحبت کنیم ولی اعتقادی به مسأله ملی نداشته باشیم و آن را قبول نکنیم.

ایشان همچنین خاطرنشان کردند، وقتی سخن از مسئله ملیت به میان می آید خیلی ها در برابر آن عکس العمل نشان داده و از تجزیه طلبی سخن می گویند.

حسن شرفی در ادامه سخنرانی خود افزود: این تفکرات تنگ نظرانه هیچ کمکی به آینده ایران نخواهد کرد و لازم است همه بدانند که ملت کرد تنها حقوق سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود را مطالبه می کند.

پس از پایان کنفرانس، برگزار کنندگان آن اعلامیه ای پایانی به نام شرکت کنندگان کنفرانس منتشر نمودند که با اعتراض هیأت حزب دمکرات مواجه شد و هیأت حزب طی اطلاعیه ای مراتب اعتراض خود را نسبت به این اقدام اعلام نمود. متن اطلاعیه هیأت حزب در صفحه ۲ آمده است.



ابوزیسیون و مشکلات و موانع بر سر راه زنان بررسی می شود. در یکی از پانلهای این نشست، آقای حسن شرفی با ایراد سخنانی اظهار داشت: "ما نمی توانیم در مورد

"مسأله ملی" است، آغازه کار کرد. در این نشست دو روزه بسیاری از مسائل مانند تغییرات سیاسی در ایران، گذار به دمکراسی، مسأله ملی، انتخابات آزاد و اتحاد نیروهای



با شرکت بیش از یکصد و بیست تن از نمایندگان احزاب و شخصیتهای سیاسی ایران کنفرانس "اتحاد برای دمکراسی در ایران" در پراگ با موضوعات مختلف، که یکی از آنها

سلفن

ناهدید حسینی

برگ دیگری از جنایت

خبر مرگ مشکوک ستار بهشتی، فعال شبکه‌های اجتماعی، به سوژه خبری رسانه‌های داخلی و خارجی تبدیل شده است. ستار بهشتی بارها از طریق وبلاگش صدای اعتراض و ناراضی خود را در برابر ظلم و ستم رژیم جمهوری اسلامی بیان داشته و به همین خاطر ده بار از سوی اداره‌ی اطلاعات احضار و مورد تهدید قرار گرفته بود. نامبرده روز ۹ آبان ماه توسط اداره اطلاعات بازداشت و بعد از یک هفته جازای وی به خانواده‌اش تحویل داده شد. بنابه گزارش گزارشگران حقوق بشر سازمان ملل متحد، مرگ ستار بهشتی مشکوک بوده و احتمال می‌رود در زمان بازجویی و تحت شکنجه به قتل رسیده باشد. احمد شهید و سه گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در بیانیه‌ای مشترک گفته‌اند که "قبلاً نیز نمونه‌های دیگری از مرگ زندانیان به علت شکنجه در ایران دیده شده است". آن نیز مرگ زهرا کاظمی، زهرا بنی یعقوب، هاله سبحانی و ابراهیم لطف‌الهی و ده‌ها نمونه دیگر را به یادمان می آورد.

دستگاه قضایی ایران، حکم پیگیری و تحقیق در مورد پرونده ستار بهشتی را صادر کرده است و علاوه بر شهادت ۴۱ زندانی هم‌بند نامبرده در زندان اوین در رابطه با شکنجه و انجام جنایت، اشکار و برهن است که این حکم تنها به منظور تحریف افکار عمومی است و این جنایت همچون دیگر جنایات‌ها به افرادی رده پایین نسبت داده می‌شود و بعد از آنکه موج اعتراضات فرونشست، جایگاه و مقام آن افراد نیز ترفیع یافته و پرونده نیز مختومه اعلام خواهد شد و دیدیم که پزشکی قانونی مرگ ستار بهشتی را طبیعی اعلام کرد. اشکار است که این نه نخستین مرگ مشکوک و گمان‌برانگیز شهروندان ایرانی و نه آخرین آن است. به عنوان نمونه‌ای دیگر به ستار سبحانی شاعر ملی اهواز باید اشاره نمود. ستار سبحانی به سبب "هوسه" که نوعی شعر حماسی در میان ملت عرب است، شعر می‌سرود و در اشعارش از مبارزان اعدام شده عرب نام می‌برد، به همین خاطر ده‌ها بار بازداشت و روانه زندان گردید که در نهایت او نیز در حادثه‌ای مشکوک کشته شد و او نیز به جمع ده‌ها شاعر ملی هم‌رزم خود که طی این سالها به صورت مشکوک کشته شده‌اند پیوست که می‌توان به "شنان"، شعر که پسر "خاله - عمه" ستار بود، اشاره نمود. سه شاعر عرب دیگر نیز به نام‌های طه سلامی، عباس جعاوله و ناظم هاشمی و همچنین ایوب خنایره که تمامی شاعران بعد از بازگشت از جلسات شعری بر اثر حادثه‌ی ساختگی اتومبیل کشته شدند. این روش از حذف فیزیکی مخالفان توسط میسئولان بلندپایه رژیم از ابتدای روی کار آمدن رژیم برای اینکه به آسانی از زیر بار مسئولیت این جنایات ضد انسانی شانه خالی کنند و افکار عمومی را تحریف کنند، به کار گرفته شده است.

کسینجر درباره ایران به اوباما هشدار داد

سلاح هسته ای می تواند پیامدهای ناگواری برای منطقه در پی داشته باشد و دیگر کشورهای منطقه را نیز تشویق به دستیابی به سلاح هسته ای کند. وی می گوید، کشورهایی که در محدوده نظامی ایران قرار دارند و فاقد سلاح اتمی هستند، می توانند برای مقابله با جمهوری اسلامی تغییر رویکرد دهند و همین امر روند متمایل به اصلاحات در کشورهای بهار عربی را متأثر از خود سازد.

کسینجر در مقاله خود تصریح می کند، باید به مقامهای تهران تفهیم کرد که آترناتیو برای رسیدن به یک توافق، دوره های بعدی مذاکرات نیست و تداوم مذاکرات به منظور وقت کشی پیامد خواهد داشت.

هنری کسینجر، طراح پرآوازه دیپلماسی آمریکا، اولویت فوری باراک اوباما در سیاست خارجی را ممانعت از تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته ای می‌داند. وی در این رابطه می گوید، تصمیم نهایی برای جنگ و صلح باید در اختیار رئیس جمهوری آمریکا باقی بماند. از نظر وی، مذاکرات چند جانبه ای که بیش از ده سال است میان ایران و گروه ۵+۱ ادامه دارد، تاکنون نتایج چندانی در بر نداشته و ایران در این میان توانسته بر ظرفیت هسته ای خود بیافزاید.

کسینجر در مقاله خود می نویسد، بدون تعیین یک خط قرمز وضعیت می تواند از کنترل خارج شود و در بدترین حالت، رسیدن ایران به ظرفیت

مهاجران کرد ایرانی زیر آتش نبرد غزه

می‌شود ولی هر خانواده زمین و خانه خصوصی خودش را دارد.

در بین مزارع اشتراکی کردنشین، "پاتیش" با جمعیت تقریبی ۳۰۰ نفر، فقط ۱۵ کیلومتر با غزه فاصله دارد. "تلمبیل"، موشاو دیگر کردهای ایرانی، هم در ۲۰ کیلومتری مرز غزه واقع است. بسیاری از راکت‌های فلسطینی‌ها از روی این روستاهای کردنشین عبور می‌کند تا به شهرهای بزرگتری مانند بئر شمع برسد.

از بئر شمع تا مرز غزه هم فقط ۴۰ دقیقه سواره تا مرز غزه راه است. در ظرف چند روز گذشته این شهر و حومه‌اش بارها هدف حملات راکتی قرار گرفته است.

مناطق محل سکونت کردهای ایرانی در غزه در خط مقدم نبردهای اسرائیل و فلسطینیان قرار گرفته است.

به گزارش BBC، در جامعه ایرانیان اسرائیل کمتر کسی به اندازه کردهایی که در حوالی مرز غزه زندگی می‌کنند، به خط مقدم درگیریهایی که این روزها بین اسرائیل و حماس به راه افتاده، نزدیک است.

در این بخش از صحرای نقب عده‌ای از کردهای ایران که در دهه ۱۹۵۰ میلادی به اسرائیل مهاجرت کردند، در حداقل پنج دهکده کوچک (موشاو) جامعه کوچکی تشکیل داده‌اند. موشاو در اسرائیل یک نوع مزرعه اشتراکی است که مانند یک سیستم نیمه‌سوسیالیستی در آن بعضی از ابزار کشت و کار به طور مشترک اداره

توضیحی پیرامون کنفرانس پراگ

هیأت حزب دمکرات کردستان ایران در خصوص بیانه‌ی پایانی کنفرانس پراگ که با حضور بیش از ۱۲۰ شخصیت سیاسی، علمی و نمایندگان احزاب ملیت‌های ساکن ایران و با شعار "اتحاد برای دمکراسی" در پایتخت جمهوری چک برگزار شد، اطلاعیه‌ای منتشر نمود.

متن اطلاعیه در ذیل می‌آید:

کنفرانس پراگ که در روزهای ۱۷ و ۱۸ نوامبر ۲۰۱۲ میلادی برگزار گردید، گرچه به لحاظ مباحث مطرح شده و نظرانی که در آن ابراز گردید، به‌ویژه در پائیل ملیت‌ها حائز اهمیت بود، لیکن در دقایق پایانی کنفرانس از سوی برگزارکنندگان متنی قرائت گردید که نه قبلا با شرکت‌کنندگان مشورت شده بود و نه اجازه اظهار نظر در مورد آن داده شد. به همین جهت به عنوان هیأت حزب دمکرات کردستان ایران در کنفرانس پراگ اعلام می‌داریم که متن انتشار یافته مورد تأیید ما نبوده و مخالفت با آن را حضورا نیز به اطلاع برگزارکنندگان و شرکت‌کنندگان در کنفرانس رسانده‌ایم.

هیئت حزب دمکرات کردستان ایران

حسن شرفی - شاهر حسین

۳۰ آبان‌ماه ۹۱

دیدار هیأت حدکا با لویس آیالا،

دبیر کل انترناسیونال سوسیالیست

با حضور "لویس آیالا" دبیر کل سازمان انترناسیونال سوسیالیست، نشست با شرکت تعداد زیادی از احزاب و سازمان‌های کردستانی در شهر سلیمانیه عراق برگزار شد.

به گزارش کوردستان میدیا، عصر روز پنجشنبه هجدهم آبان‌ماه، هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران به سرپرستی "مصطفی هجری" دبیر کل این حزب در این نشست شرکت کرد.

"لویس آیالا" در این دیدار اوضاع سیاسی و تحولات بین‌المللی در منطقه را مورد بحث قرار داد.

در ادامه این نشست، دبیر کل انترناسیونال سوسیالیست نگرش و نظرات این سازمان در مورد آخرین تحولات جهانی، به ویژه منطقه خاورمیانه را اعلام کرد.

جایزه جهانی حقوق بشر به یک وکیل کرد
اهدا گردید

پیش در حوزه حقوق بشر شروع به کار کرده و در حال حاضر این شهروند کرد در زندان دیاربکر به سر می‌برد.

این جایزه برای اولین بار در سال ۱۹۸۵ به نلسون ماندلا اهدا شد.

جایزه "LUDOVIC TRARIEUX" از سال ۲۰۰۳ از طرف دانشکده حقوق بشر - فرانسه، دانشگاه حقوق بشر در بروکسل، دانشکده حقوق بشر ایتالیا، مرکز حقوق بشر آلمان، اتحادیه وکلای بین‌المللی (UIA) و چندین مرکز و سندیکای بین‌المللی به فعالان این حوزه اهدا می‌شود.

جایزه بین‌المللی "LUDOVIC TRARIEUX" حقوق بشر به یک وکیل کرد بازداشت شده در شهر دیاربکر ترکیه اهدا شد.

این جایزه سالانه از طرف چند کشور اتحادیه اروپا و مراکز حقوق بشری به وکلایی که در زمینه دفاع از حقوق بشر و مبارزه با نژادپرستی و حاکمیت قانون فعالیت دارند، اهدا می‌شود.

"محرم اربهای" وکیل کرد اهل کردستان ترکیه است که از طرف این مراکز برای دریافت جایزه "LUDOVIC TRARIEUX" که مختص به حقوق بشر است، انتخاب شد.

کمپین "دفاع از حقوق وکلای جهان" گزارش داد، محرم اربهای وکیل و نویسنده کرد، ۲۰ سال

رژیم ایران در تکاب مشغول استقرار یک مرکز رادار موشکی است

یک منبع مطلع از تکاب به وبسایت کوردستان میدیا اعلام کرد این نیروها در مکانی به نام "قیرجه" ی "هوشار" مشغول ساخت مرکز رادار موشکی هستند.

به گفته شاهدان، نیروهای رژیم اجازه نزدیک شدن شهروندان عادی به این منطقه را نمی‌دهند.

رژیم ایران تحت عنوان "محافظة از آثار تاریخی و باستانی" در منطقه تکاب مشغول احداث پایگاه رادار موشکی است.

به گزارش کوردستان میدیا، نهاد‌های نظامی تحت عنوان محافظت از آثار تاریخی و باستانی مشغول فعالیت نظامی برای احداث پایگاه رادار موشکی در منطقه تکاب می‌باشند.

دیدار هیأت حزب دمکرات با هیأتی از رفقای پیشین



عضو دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران در پاسخ به چگونگی نگرش دفتر سیاسی حزب دمکرات به این نشست‌ها گفت: "طرح و برنامه این گفتگوها از سوی دفتر سیاسی و در چارچوب تصمیمات کنگره تدوین شده‌است."

محمد نظیف قادری در ادامه‌ی سخنانش گفت: مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات اهمیت بسیاری برای این نشست‌ها و گفتگوها قائل است.

در این دیدار، آقای قادری پابندی رهبری منتخب کنگره ۱۵ به تداوم گفتگوها و نشست‌ها با هدف همبستگی و اتحاد را به اطلاع رفقای جدا شده رساند.

گفتنی است، مصطفی هجری، دبیر کل حزب دمکرات نیز در ضیافتی که برای رفقای جدا شده از حزب ترتیب داده شده بود، شرکت نموده و مراتب خرسندی خود را نسبت به استمرار این نشست‌ها ابراز کرد.

و در این دیدار علاوه بر بحث و گفتگو در رابطه با تصمیمات کنگره ۱۵ حزب، در مورد اتخاذ تصمیمی در این کنگره در رابطه با ادامه نشست و گفتگو با رفقای جدا شده و تلاش برای همبستگی و در نتیجه اتحاد دوباره حزب دمکرات نیز به گفتگو پرداختیم."

سرپرست هیأت حزب در رابطه با مشکلات پیش روی این نشست‌ها و همچنین همبستگی دوباره گفت: "تمامی گفتگوها و نشست‌ها در رابطه با مجموعه اهداف مشخصی است. لذا در این نشست‌ها نیز نقاط اختلاف وجود دارد و هر کدام از طرفین نگرش متفاوتی نسبت به این مسائل دارد."

محمد نظیف قادری اعلام کرد: مهم برای ما به عنوان حزب دمکرات، ادامه دادن به نشست‌ها و برداشتن گام‌هایی در راستای حل مشکلات پیش رو با هدف رسیدن به راه‌حلی اساسی است که به نفع جنبش ملی - دمکراتیک مردم کردستان و حزب دمکرات باشد.

هیأتی از حزب دمکرات کردستان ایران با هیأتی از رفقای پیشین حزب دیدار و گفتگو نمود.

ادامه سیاست دیالوگ و گفتگو، تلاش برای نزدیک شدن و دوستی، همکاری برای برداشتن موانع بر سر راه اتحاد و همبستگی صفوف حزب از جمله مواردی بودند که در این دیدار مورد بحث قرار گرفتند.

به گزارش کوردستان میدیا، روز سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه ۹۱ هیأتی از همسنگران پیشین حدکا به سرپرستی "مصطفی مولودی" از مقر دفتر سیاسی حزب دمکرات کردستان ایران دیدار کردند و از سوی هیأتی از حزب به سرپرستی "محمد نظیف قادری" عضو دفتر سیاسی مورد استقبال قرار گرفتند.

در این رابطه، محمد نظیف قادری سرپرست و مسئول هیأت حزب دمکرات برای گفتگو با رفقای پیشین به گزارشگر کوردستان میدیا گفت: "این دیدار نیز در ادامه نشست اول بود

در مدت ۸ ماه بیش
از ۳۰۰ تن در ایران
اعدام شده‌اند

دستگاه قضایی رژیم حکم اعدام ۱۰ شهروند را به صورت گروهی صادر و اجرا کرد.

در مدت یک ماه گذشته، تاکنون دو بار اعدام دسته‌جمعی از طرف مراکز قضایی رژیم صورت گرفته است.

فعالان حقوق بشر در ایران اعلام کردند، این ۱۰ شهروند در زندان "قزل‌حصار" برای اجرای حکم اعدام به زندان اوین منتقل شدند و صبح چهارشنبه، هفدهم آبان‌ماه این حکم اجرا شد.

احمد شهید، گزارشگر ویژه سازمان ملل در امر حقوق بشر در ایران اعلام کرد، در طول ۸ ماه گذشته، تاکنون بیش از ۳۰۰ شهروند از سوی رژیم ایران اعدام شده‌اند.

احمد شهید گفت: بیشتر اعدام شدگان در دادگاه‌های چند دقیقه‌ای و محروم از وکیل مدافع محاکمه شده‌اند.

۱۲۶ معلم کرد در
سندج محاکمه
می‌شوند

۱۲۶ معلم کرد به دلیل شکایت اداره آموزش و پرورش شهر سندج محاکمه می‌شوند.

آژانس خبری کردپا گزارش داد، دستگاه قضایی رژیم اسلامی ایران در شهر سندج روز ۳۰ آبان ماه، ۱۲۶ معلم کرد را محاکمه می‌کند.

این دادگاه بنا به درخواست و شکایت اداره آموزش و پرورش شهر سندج صورت می‌گیرد و اتهام این معلمان را شرکت در مراسم سالروز اعدام "فرزاد کمانگر" و آماده نشدن در کلاس درس، از طرف دستگاه قضایی رژیم ایران اعلام کرده است.

بیشتر نیز ۹ عضو هیئت برگزاری انجمن صنفی معلمان استان کردستان با نام‌های "محمد صدیق صادقی، پیمان نودینیان، علی قریشی، کمال فکوریان، مصطفی سرپازان، پرویز ناصحی، عزت نصرتی، بهال‌الدین ملکی و رامین زندنیسا" بیست و دوم تیرماه از طرف شعبه ۵ بازرسی دادگاه سندج احضار شده بود.

این منبع همچنین افزود: بیشتر نیز دو معلم اهل سندج با نام‌های "پیمان نودینیان" به سه سال تبعید به استان زنجان و چند ماه محروم از تدریس و "مختار اسدی" به دو سال تبعید و شش ماه محروم از تدریس، محکوم شدند.

یک زندانی کرد در
زندان مهاباد دست به
خودکشی زد

روز بیستم آبان‌ماه یک شهروند مهابادی در زندان این شهر، اقدام به خودکشی کرد که در نتیجه جان خود را از دست داد.

"شورش آلدو" اهل محله "پشت تپه" ی مهاباد خود را حلق آویز کرده اما تاکنون از علل این اقدام وی اطلاعی در دست نمی‌باشد.

خبرگزاری موکریان همچنین گزارش داد که همسر این شهروند کرد یک ماه پیش جان خود را از دست داده است.

بیشتر نیز یک زندانی در زندان مهاباد به نام "علی چاک" اهل روستای "چکو" از توابع سردشت بعد از عدم بهبود بیماری به بهداری زندان مراجعه و بعد از تزریق اشتباهی آمپول، از ناحیه‌ی پا فلج گردید.

بر اثر بمباران جنگنده‌های ترکیه
۴ شهروند کرد کشته شدند

فرزند لقمان از مهاباد دو شهروندی هستند که جان خود را از دست داده‌اند.

بر اساس گزارش وبسایت خندان، به منازل و باغات روستاها در دامنه‌های کوهستان قندیل هم آسیب رسیده و ضرر و زیان فراوانی متوجه این هموطنان گردیده است.

سی ام آبان ماه سال ۱۳۹۰ نیز در نزدیک کوه کورتک در دامنه قندیل، هواپیماهای جنگی ترکیه یک اتومبیل را هدف قرار دادند که در آن هفت عضو یک خانواده کشته شدند.

هواپیماهای جنگی ارتش ترکیه دو روستای "رزگه و ماردو" را در منطقه‌ی "پشدر" اقلیم کردستان بمباران کرده و در پی آن دو تن از اهالی کردستان ایران کشته و دو تن دیگر نیز زخمی شدند.

بمباران هواپیماهای جنگی ارتش ترکیه سه‌شنبه شب رخ داد و تا لحظه انتشار این خبر اطلاعی از سلامتی این دو شهروند در دست نیست.

"علی" ۴۵ ساله از پیرانشهر و "شپول احمدی"

آثار سینمایی بهمن قبادی در کشور یونان مورد تقدیر قرار گرفت



ماه "از فیلمساز کردستانی، بهمن قبادی اکران گردید. آژانس خبری پیامنیر گزارش داد، در جشنواره بین‌المللی فیلم "تسالونیک"، همچنین جایزه شخصیت اصلی فیلم "فصل کرگدن" به بهمن قبادی اهدا شد. جشنواره بین‌المللی فیلم "تسالونیک" در کشور یونان یکی از مهمترین رویدادهای سینمایی اروپا به شمار می‌آید. این جشنواره از روز دوازدهم آبان‌ماه شروع و تا بیست و یکم آبان‌ماه ادامه یافت.

در پنجاه و سومین دوره جشنواره بین‌المللی فیلم "تسالونیک" در کشور یونان از کارگردان و تهیه‌کننده سرشناس کرد، بهمن قبادی تقدیر به عمل آمد. برگزار کنندگان این دوره جشنواره بین‌المللی فیلم "تسالونیک" در یونان به مناسبت سال‌ها فعالیت هنری و خدمت به هنر سینما، از کارگردان کرد، بهمن قبادی و همچنین دو کارگردان دیگر با نام‌های آکی کورسیمیکی از فنلاند و آندریاس دیرسین از آلمان تقدیر کردند. در این جشنواره فیلم‌های "زمانی برای مستی اسب‌ها، لاک پشت‌ها هم پرواز می‌کنند و نیمه

کتابخانه روستای "هشمیز" در سندج مبدل به زنبورداری شده است

روستای "هشمیز" در بخش سیروان و در ۵۰ کیلومتری شهر سندج قرار گرفته که جمعیتی بیشتر از ۲ هزار نفر در این روستا ساکن می‌باشند. باتوجه به اینکه نزدیک به ۴۰ درصد جمعیت استان کردستان را روستائیان تشکیل می‌دهند، مردم این روستا از امکانات فرهنگی و اجتماعی و رفاهی برخوردار نیستند. در همین رابطه و در سال ۱۳۸۵ دستور ساخت کتابخانه‌ی روستاهای هشمیز، گلین و نایسر داده شده اما این پروژه‌ها تاکنون به پایان نرسیده است.

کتابخانه روستای "هشمیز" در منطقه "زاورود" شهر سندج به علت کمبود امکانات آموزشی لازم به زنبورداری تبدیل شده است. ساکنین این منطقه بر این باورند که از طرف نهادهای مربوطه هیچ توجهی به این کتابخانه صورت نمی‌گیرد. یکی از اعضای شورای روستای "هشمیز" به خبرنگاری دولتی "مهر" اعلام کرده که مسئولین فرهنگی استان کردستان هیچ توجهی به مراکز فرهنگی نداشته و علیرغم پیگیری برای تأمین امکانات لازم برای این کتابخانه، تاکنون هیچ پاسخی دریافت نکرده‌اند.

دریافت شهریه از دانش آموزان استان کردستان اعتراض خانواده‌ها را در پی داشت

اعلام این خبر، مسئولان وزارت آموزش و پرورش استان کردستان هیچ واکنشی را به این اقدام مدارس از خود نشان ندادند. بر اثر اجرا شدن این تصمیم، بیش‌بینی می‌شود که شمار زیادی از دانش‌آموزان روستاهای اطراف سندج به علت فقر و ناتوانی در پرداخت شهریه، از ادامه تحصیل بازمانند. در سال جاری دویست و شصت و هفت هزار دانش‌آموز در استان کردستان با هدف تحصیل به مدارس استان کردستان روی آورده‌اند. به طور کلی از این تعداد دانش‌آموز، ۱۴۳ هزار نفر پسر و ۱۲۴ هزار نفر دختر می‌باشند.

دانش‌آموزان مدارس شبانه و حتی مدارس نمونه دولتی در مناطق مختلف استان کردستان بایستی برای ادامه تحصیل شهریه پرداخت کنند. پرداخت شهریه در دوره‌های مختلف تحصیلی به ویژه مدارس شبانه موجب نگرانی شهروندان شده و هم‌زمان اعتراض خانواده‌ها را به دنبال داشته است. این تصمیم در حالی است که بنا به قانون اساسی رژیم، تمام مدارس تا پایان مقطع متوسطه تحصیلی هیچ هزینه‌ای را از دانش‌آموزان دریافت نمی‌کنند. آژانس خبری ایسنا گزارش داد، تا لحظه

حاکمیت فضای امنیتی بر شهر مریوان

قطع اینترنت، گشت و آماده‌باش نیروهای رژیم، شهر مریوان را بیشتر از همیشه امنیتی کرده است. به گزارش کردستان میدیا، در درگیری چهار راه شبرنگ بین مردم مریوان و نیروهای نظامی رژیم، این نیروها برای پراکنده کردن مردم از "اسپری فلفل" استفاده کردند. گشت روزانه موتورسواران مسلح و باتوم به‌دست بیشتر از همیشه سیمای شهر مریوان را نظامی کرده بود. علاوه بر آن، رژیم با قطع خط تلفن ارتباط تلفنی را دشوارتر کرده است. در این رابطه رژیم سرعت اینترنت را با هدف جلوگیری از دسترسی مردم ایران و کردستان به دنیای مجازی کاهش داده و می‌خواهد اینترنت (اینترنت حلال) را جایگزین اینترنت معمول کند. در چند روز گذشته گشت‌زنی موتورسیکلتها و ماشین‌های نیروی نظامی مجهز به تجهیزات ضد شورش در خیابانها و کوچه‌های شهر مریوان ترس و وحشت را در بین شهروندان ایجاد کرده و در بسیاری از کوچه‌های مریوان مانند چهارباغ، دارسیران این نیروها به صورت آماده باش حضور دارند. رژیم با امنیتی کردن شهر مریوان و ایجاد شرایط فوق‌العاده در دیگر شهرهای کردستان، در صدد مقابله با هر گونه حرکت‌های اعتراضی مردم می‌باشد.

تخریب محیط زیست و شکار حیوانات کوهی در اورامانات



شکار و کشتن حیوانات کوهی روستای "دزلی" از سوی افراد مسلح، موجب نگرانی فعالین محیط زیست و مردم منطقه شده است. به گزارش کردستان میدیا، نیروهای مسلح رژیم ایران در روستای "دزلی" از توابع شهرستان سروآباد، مشغول کشتن و شکار حیوانات کوهی این منطقه بوده و به علت سوء استفاده‌های بیش از حد آنان، مردم این روستا دست به اعتراض زده‌اند. به گفته ساکنین روستای دزلی، افراد مذکور بدون توجه به اعتراض شهروندان و فعالان محیط‌زیست منطقه، همچنان به تخریب محیط زیست و نابودی حیات وحش منطقه اورامانات ادامه می‌دهند. این اقدام از سوی ۴ فرد مسلح وابسته به رژیم که یکی از آنها اهل روستای "گیمه" از توابع شهرستان پاره می‌باشند، انجام می‌شود و هویت این افسراد در اختیار "کردستان میدیا" قرار داده شده است. به گفته اهالی این روستا، تخریب و از بین بردن طبیعت از طرف رژیم ایران با اشکال مختلف، از جمله شکار حیوانات کوهی و همچنین سوزاندن درختان و جنگل‌های اطراف مریوان و سروآباد صورت می‌گیرد.

کشته شدن یک شهروند در سردشت به دست نیروی نظامی رژیم

۲۴ ساله و فرزند "محمد مجاهد" اهل روستای "الواتان" جان خود را از دست داد. "محمد مجاهد" پدر این شهروند کرد، پس از انقلاب به حزب دمکرات کردستان ایران پیوسته و یکی از فرماندهان نیروی پیشمرگ بوده است. محمود مجاهد سال ۱۳۷۲ در "حاجی آباد" کردستان عراق به دست عوامل رژیم ایران به شهادت رسید.

یک جوان اهل سردشت که جهت تأمین امرار معاش زندگی مشغول کولبری در مرزهای کردستان ایران بود، با شلیک مستقیم گلوله نیروهای نظامی جان خود را از دست داد. به گزارش کردستان میدیا، چهارشنبه شب هفدهم آبان ماه تعدادی از کولبران و کاسبکاران در منطقه "وزینه" سردشت مورد حمله نیروهای نظامی قرار گرفتند. در این حمله، یکی از شهروندان به نام "بابیر"

توقیف احشام دامداران کردستان از سوی نیروهای رژیم

بیشتر و در همین رابطه، در روز یکم مهرماه ۱۳۹۱، نیروهای نظامی پاسگاه "زالانه" در روستای "دره‌کی" اورامانات، ۴۰ رأس از دام‌های ناپدید شده این روستا را توقیف کرده بودند. پیگیری‌های مالکان دام‌ها و همچنین روحانی مسجد و اهالی روستای "دره‌کی" جهت بازپس‌گیری دام‌ها به پاسگاه "زالانه" نه تنها بی‌نتیجه مانده، بلکه آنها را نیز به پرداخت جریمه نقدی تهدید کرده‌اند.

نیروهای اطلاعاتی رژیم در اطراف مریوان شمار زیادی از دام‌های روستائیان این منطقه را توقیف کردند. این نیروها بدون اینکه مالک این دام‌ها در روستای "نی" از توابع شهرستان مریوان را مطلع کنند، وارد روستا شده و ۱۱۵ رأس گوسفند را با خود بردند. به گزارش آژانس خبررسانی کردیا، نیروهای رژیم به بهانه‌ی قاچاق، دام‌های اهالی این روستا را توقیف کرده‌اند.

نبود ایمنی کار در مهاباد، زخمی و کشته شدن ۵ نفر را به دنبال داشت

در مناطق کردنشین ایران به صورت مستمر و به علت نبود ایمنی کار، در چنین رویدادهایی کارگران کشته می‌شوند.

دو کارگر اهل مهاباد در حال انجام کار، جان خود را از دست داده و دو تن دیگر نیز زخمی شدند. آژانس خبری موکریان گزارش داد، چند روز پیش دو کارگر در شهرک صنعتی کاه در حال بتن‌ریزی ستون‌های طبقه اول یک ساختمان دچار حادثه گردیدند. این حادثه به علت ریزش سقف بتن‌ریزی اتفاق افتاده که نهایتاً کارگران مصدوم به بیمارستان مهاباد منتقل شدند. منبع یاد شده در ادامه افزود که دلیل کشته‌شدن این دو کارگر ۲۷ و ۲۲ ساله، رعایت نکردن نکات ایمنی در حال کار بوده است.

فشار نیروهای امنیتی بر خانواده‌های فعالین دانشجویی کرد ادامه دارد

مراکز امنیتی رژیم ایران در شهر مریوان خانواده یکی از اعضای اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد را تحت فشار قرار داده‌اند. به گزارش کردستان میدیا، خانواده "خلیل شهبازی" در شهر مریوان از طرف نیروهای امنیتی احضار شده‌اند. خلیل شهبازی یکی از اعضای پیشین اتحادیه دمکراتیک دانشجویان کرد به دلیل فشار نیروهای امنیتی مجبور به ترک کشور شده و

در حال حاضر در اقلیم کردستان عراق ساکن می‌باشد. همچنین اداره اطلاعات ارتباطات تلفنی خانواده خلیل شهبازی را قطع کرده‌اند. شعبه یکم دادگاه انقلاب شهر مریوان مدتی پیش، عبید زارعی، فعال دانشجویی را به اتهام اقدام علیه امنیت ملی به جزای نقدی محکوم کرده بود.

طاق بستان و تهدیدات دستگاه‌های عظیم سنگ‌شکن

"سنگ شکن" و بولدزر و لودر لرزه بر پیکر آثار طاق‌بستان وارد کرده و نگرانی از آسیب رساندن به این آثار تاریخی وجود دارد. در همین ارتباط، سازمان اوقاف و امور خیریه استان کرمانشاه با ساختن گنبد بر بنای امامزاده ابراهیم واقع در مقابل طاق‌بستان، مشکلات و موانع زیادی را برای ثبت این مکان تاریخی در سطح بین‌المللی ایجاد نموده است. ارتفاع این گنبدها که بر روی امامزاده ابراهیم ساخته می‌شود، بیش از پنج متر است و بنا بر قوانین بین‌المللی، وجود بناهای با ارتفاع بیش از پنج متر در مقابل مکان‌های تاریخی مانع از ثبت آن در ردیف آثار باستانی جهانی می‌شود.

ساخت و ساز در اطراف طاق بستان، تحت عنوان "مرمت و بازسازی فرهنگی" نگرانی آسیب رساندن به بخشی از این آثار تاریخی را به وجود آورده است. هر چند که کارشناسان این بخش، با مرمت و بازسازی طاق بستان به صورت غیراستاندارد مخالف هستند، ولی مراکز ذریبط بدون توجه، اقدام به حفاری در اطراف این مکان تاریخی کرده‌اند. در حالی که آثار تاریخی - فرهنگی طاق بستان، با هدف ثبت در ردیف آثار تاریخی در سطح جهان آماده می‌شود، گروه باستان‌شناسان ایران نگرانی خود را از شیوهی مرمت و بازسازی این آثار تاریخی ابراز داشته‌اند. فعالان باستان‌شناسی بر این باورند، وجود دستگاه‌های عظیم و پر قدرت

یک معلم مدارس بوکان به دادگستری احضار شد

وابستگی‌ای، از فعالان فرهنگی و ادبی، نشریات و مجلات دانشجویی بوده است. نامبرده با توجه به تسلط به چند زبان خارجی، در کنار شغل معلمی در دبیرستان‌های شهر بوکان و نیز ادامه تحصیل در دانشگاه تبریز، به کار ترجمه فرهنگی و ادبی از زبان‌های خارجی به کردی و فارسی مشغول بوده و تاکنون چندین مقاله و نوشته‌ی او در نشریات و مجلات دانشجویی و سایت‌های اینترنتی مختلف چاپ و منتشر شده است.

معلم اهل بوکان و مدرس عربی این شهرستان از طرف شعبه بازپرسی دادگاه احضار شد. خبرنگاری هرانا گزارش داد، مولود خوانچه‌زرد پیشتر نیز چندین بار از طرف اداره اطلاعات این شهر به مدت ۱۱ روز بازداشت و سپس زندانی شد و بعداً با قرار وثیقه بیست میلیون تومان آزاد گردیده بود. نیروهای رژیم هم‌زمان با بازداشت این شهروند، کامپیوتر و وسایل شخصی او را توقیف کردند. مولود خوانچه‌زرد پیش‌تر به روزنامه‌نگاری اشتغال داشته و بدون هیچ گونه

به سوی آموزشی همسو با سیستمهای نوین

رضا فتح الله نژاد
ترجمه: وریا محمودی



که "تغییرات در جهان و خاورمیانه کم و بیش به شیوه‌ای مستقیم و غیرمستقیم بر جامعه کردستان و اعضاء و هواداران حزب دمکرات نیز تأثیرگذار بوده است و تغییراتی بنیادین در فکر و اندیشه و شیوه‌ی عملکرد آنها به وجود آورده است. اما آموزش و پرورش حزب نتوانسته همسو با آن تغییرات و سطح تأثیرگذاریشان در خود تغییرات ایجاد کند. با این حال نیز حزب دمکرات با وجود کاستی‌هایش، در میان مردمان کردستان محبوب است. اما اگر حزب نتواند پایه‌های تغییرات جامعه شیوه‌ی کار و برنامه‌های خود را تغییر دهد، از موفقیت‌هایش باز خواهد ماند."

در نکاتی دیگر از همین گزارش در زمینه آموزشی، وظایف ذیل برای کمیته مرکزی منتخب کنگره پانزدهم حزب مشخص شده است: "آماده‌سازی برنامه‌ای تازه و فراگیر برای آموزش افراد و جامعه‌ی حزبی، پیشبرد این برنامه و همچنین در نظر گرفتن ارگان‌ها و پرسنل فعال و آموزش آنها و تأمین امکانات آن ارگان‌ها."

با این حال، همان‌گونه که از حزب دمکرات کردستان ایران انتظار می‌رفت، لزوم تغییرات در شیوه‌های آموزشی حزب بر مبنای شرایط کنونی را احساس نموده و در این زمینه دارای برنامه‌ای مشخص می‌باشد.

دو نکته جالب توجه دیگر در این زمینه وجود دارد که به اختصار به آن می‌پردازیم. اول اینکه اگر چه شیوه‌های آموزش و پرورش حزبی پایه‌های مراحل مختلف تغییر می‌کنند اما اساس و بنیادهای آموزش در حزب هیچ‌گاه دچار تغییر نشده است، آن نیز همان اهداف والا هستند که در حزب دمکرات مبارزه برای رسیدن به دمکراسی، آزادی ملی و عدالت اجتماعی می‌باشند. آنچه دچار تغییر شده است، تکنیک‌ها و تاکتیک‌ها هستند نه اهداف و ارزش‌ها - فرد حزبی آموزش داده می‌شود که چگونه بر اساس آن مراحل در راستای رسیدن به اهداف والا مبارزه کند و چگونه خود را با ارگانیزاسیون حزبی در مراحل مورد نظر همسو کند.

دوم آنکه، آموزش و پرورش حزبی در حزب دمکرات تلاشی در راستای اعمال و عملیاتی کردن انرژی فرد و جمع در درون ارگانیزاسیون مورد نظر حزب است. فرد یا گروه قبل از ورود به مرحله‌ای که با ارگانیزاسیون حزبی همسو شوند و سازمان داده شوند. اهداف و ارزش‌های حزب دمکرات را پذیرفته‌اند و آمادگی خود را برای وارد شدن به آن سازمان از راه تقدیم کردن تقاضانامه برای عضویت در حزب اعلام کرده‌اند. یعنی آموزش حزبی، آن آموزش مکتبی نبوده و نیست که هدفش شستشوی مغزی فرد یا مجموعه‌ی افراد در راستای زدودن هویتشان باشد. بلکه سازماندهی هر چه بیشتر فرد و یا گروهی از افراد در راستای اهدافی است، که خود خواهان آن هستند.

نظامی در برابر رژیم‌های دیکتاتور و ضدبشری همچون جمهوری اسلامی و رژیم بعث سوریه، مشروع قلمداد می‌شود و حتی پشتیبانی بین‌المللی را نیز به خود جلب می‌کند، مگر آنکه مسائل سیاسی را به سوی دیگر هدایت کنند. در این مرحله که به بعضی از تفاوت‌های آن اشاره شد، آموزش و پرورش حزبی نیازمند پاره‌ای تغییرات می‌باشد تا جنبش آزادیخواهانه کردستان ایران راه موفقیت برای رسیدن به اهداف خود را هموارتر سازد.

به همین منظور، در گزارش کمیته‌ی مرکزی به کنگره پانزدهم حزب که در کنگره نیز به تصویب رسید، اشاره می‌شود

اگر چه شیوه‌های آموزش و پرورش حزبی پایه‌های مراحل مختلف تغییر می‌کنند اما اساس و بنیادهای آموزش در حزب هیچ‌گاه دچار تغییر نشده است، آن نیز همان اهداف والا هستند که در حزب دمکرات مبارزه برای رسیدن به دمکراسی، آزادی ملی و عدالت اجتماعی می‌باشند

است. در این جا نمی‌خواهیم ریزبینانه در مورد مراحل بحث کنیم زیرا می‌خواهیم این واقعیت را آشکار سازیم که هر برهه‌ای نیازمند گونه‌ی خاصی از آموزش است. برهه‌ی کنونی، عصر خیزش‌های انقلابی در منطقه است و در این میان نه جنبش آزادیخواهی کرد در کردستان ایران از دایره‌ی تأثیرات آن خارج بوده و نه رژیم جمهوری اسلامی می‌تواند خود را از موج عظیم تغییرات که انتظار می‌رود پایه‌های قدرتش را زبرور کند، برباند. حدوداً یک دهه است که حزب مسلحانه خود را برای همیشه کنار نگذاشته و تنها بر اساس شرایط زمانی و مکانی به حالت تعلیق در آورده، بیشتر بر مبارزات مدنی در داخل کشور تأکید نموده است. این شیوه از مبارزه، با در نظر گرفتن اینکه در فضایی به شدت امنیتی و پلیسی و در حالی که نه رژیم‌های دیکراتیک، بلکه یکی از دیکتاتورترین رژیم‌های جهان بر ایران حاکم است، به اجرا گذاشته شده، می‌توان گفت موفقیت خوبی کسب نموده که شاهد این حقیقت، اعتصابات سراسری ۲۲ تیرماه بوده است. در مرحله مبارزات مدنی در رابطه با مبارزات مردم ناراضی علیه رژیم‌های دیکتاتوری اشتباهی محاسباتی شکل گرفت که بیشتر قدرت‌های جهانی دچار آن اشتباه شده بودند و رژیم‌های دیکتاتور نیز ترویج دهنده آن بودند و آن اشتباه این بود که هرگونه مبارزه‌ی مسلحانه نامشروع قلمداد می‌شد. این اشتباه محاسباتی که در آن مرحله تا حدودی به پارادایمی مسلط تبدیل شده بود و حتی برخی از روشنفکران جنبش مبارزاتی کرد در کردستان ایران و فعالان سیاسی ایران نیز در همین اشتباه گرفتار شده بودند، با سپری شدن زمان و پیدایش انقلاب‌های اخیر در منطقه‌ی خاورمیانه و شمال آفریقا اصلاح شد و اکنون مبارزات

آن جمهوری دموکراتیک، حزب دمکرات دیگر نتوانست همچون حزبی حاکم در زمینه آموزش به مردم کردستان خدمت کند. این امر در چند سال اولیه پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی نیز که حاکمیت بخشی از خاک کردستان در اختیار حزب دمکرات بود، صدق می‌کرد، زیرا سیستم آموزشی حزب مراحل مختلفی را پشت سر گذاشته و از زمان حکومت جمهوری کردستان به این سو که حزب همچون حزبی مبارز در ایران با هدف سرنگونی رژیم شاهنشاهی و بعدها برای سرنگونی جمهوری اسلامی مبارزه نموده، شیوه‌های مختلفی را تجربه کرده است. بر اساس فاکتورهایی که در دسترس می‌باشند، سیستم آموزشی حزب از زمان سرنگونی جمهوری کردستان تا کنفرانس سوم حزب در سال ۱۳۵۰، بیشتر بر اساس انتقال تجربه‌های شخصی عمل کرده است و شرایط و امکانات آموزشی ارگانیزه شده در آن زمان مهیا نشده است.

با بازگشت زنده‌یاد دکتر قاسملو به کردستان و به دست گرفتن رهبری حزب از سوی وی، آموزش حزب وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد که شروع آن، گشایش دوره‌ای جهت توضیح برنامه و اساسنامه‌ی حزب برای کادر رهبری بود. تأسیس ارگان‌های مختص به آموزش کادر و پیشمرگ‌های حزب زیر عنوان "دانشگاه سیاسی - نظامی" در سال ۱۳۶۲ نیز آغاز مرحله‌ی دیگر بود که دکتر قاسملو به عنوان دبیرکل حزب، در همه کنگره‌ها در مورد آن گزارشی ارائه نموده و تأثیرگذاری آن ارگان در پیشبرد اهداف مبارزات ملی - دمکراتیک مردم کردستان را مثبت تلقی کرده است. در آن زمان در آموزش کادر و پیشمرگ‌های حزب بیشتر تأکید بر تکنیک‌های نظامی و چگونگی ارتباط مستقیم با توده‌های مردم کردستان و دروس دیگری همچون اخلاق انقلابی و چگونگی برخورد با اسرای جنگی بوده

با بازگشت زنده‌یاد دکتر قاسملو به کردستان و به دست گرفتن رهبری حزب از سوی وی، آموزش حزب وارد مرحله‌ی تازه‌ای شد که شروع آن، گشایش دوره‌ای جهت توضیح برنامه و اساسنامه‌ی حزب برای کادر رهبری بود

روزنامه

فاشیستهای جدید اروپا

ترجمه: رضا فتح‌الله‌نژاد

"نیویورک تایمز" روز ۱۷ نوامبر مقاله ای تحت عنوان "فاشیستهای جدید اروپا" به قلم ویلیام ویلر منتشر کرد که نگارنده در آن به طور مفصل به گسترش نژادپرستی و خشونت علیه پناهندگان طی چند سال اخیر در اروپا می پردازد. او مقاله اش را با نقل رویداد حمله به چند جوان افغان در آتن توسط چند یونانی آغاز می کند. یکی از قربانیها به اسم رحیمی با پنج ضربه ی چاقو مضروب می شود و دوستش، رضا که کاملاً مضروب شده بود، به افغانستان بازمی گردد.

نگارنده در ادامه ضمن اشاره به اینکه در حال حاضر یونان دارای بیشترین پناهنده غیرقانونی می باشد و به دروازه ورود پناهندگان آسیایی و آفریقایی داخل سایر کشورهای اروپایی تبدیل شده است، می نویسد: "قسمتهایی از آن چنین احساس می شود که به منطقه ی جنگی تبدیل شده اند.

گروههای اراذل راسیست در شب هنگام در خیابانها به دنبال قربانی می گردند. زیمت سکودلی، یکی از کسانی که به حمله به آقای رحیمی متهم هستند، از سوی حزب "گولدن داون" برای عضویت در پارلمان کاندیدا شده بود که موفقیتی در آن حاصل نمود، این حزب گروهی فاشیستی است که هم اکنون از لحاظ محبوبیت مردمی در میان احزاب یونان در رده ی سوم قرار دارد.

گولدن داون در سال ۱۹۸۵ توسط رهبر زندانی حکومت نظامی یونان تأسیس گردید. این حزب پس از آنکه شماری از اعضایش بر طبق برخی گزارشها در کشتار شهر مسلمان نشین سربریتسای یونانی در سال ۱۹۹۵ شرکت داشتند، مورد توجه جهانیان قرار گرفت. نشریه آنان رایش سوم را مورد ستایش قرار داده و غالباً با تصاویر هیتلر و سایر رهبران نازی مزین شده است.

شمارش آرای انتخابات اخیر بیانگر آنست که این حزب نیرومندتر شده و حمایت از آن در میان افسران پلیس به میزان ۵۰ درصد افزایش یافته است، یعنی در میان کسانی که روزانه از پیگیری تعداد روزه فرونی جرایم نفرت انگیز ناتوان هستند.

نویسنده در ادامه پس از ارائه ی گزارش میدانی مفصلی در رابطه با اوضاع یونان، به بررسی چند کشور اروپایی دیگر از جمله مجارستان می پردازد.

در خاتمه می نویسد که برای حل این مشکل عمده، رهبران اروپا بایستی: "به ترویج و گسترش دیدگاه پان اروپایی برای نظارت بر جرایم نفرت انگیز و تعقیب شبکه های راستگرای افراطی فرامرزی بپردازند. همچنین اتحادیه اروپا باید اطمینان یابد که تمامی کشورهای عضو، اعم از قدیمی و جدید، معیارهای لازم برای عضویت کشورها در اتحادیه اروپا را محترم بشمارند، به ویژه برخورداری از "یک قانون اساسی با ثبات که ضامن دموکراسی، حکومت قانون، حقوق بشر، احترام به حقوق اقلیتها و حافظ اقلیتهاست". در غیر این صورت، اروپا با کابوس خشونت مهاجرتی و از دست رفتن ارزشهای قانون دموکراسی لیبرال روبرو خواهد شد، قانونی که شمار زیادی از مردم به ستوه آمده را برای یافتن پناهگاه و فرصتی در سواحل اروپایی به خود جذب نموده است."

منبع: The new york times

"از حاجی واشنگتن تا آخوندهای اتمی"

کیهان یوسفی

برشمرده

آغاز روابط ایران و آمریکا به سده ۱۹ میلادی برمی گردد، در سال ۱۸۸۸ میلادی حاج حسین قلی خان صدرالسلطنه، به عنوان نماینده رسمی ایران به آمریکا فرستاده شده و به نام حاجی واشنگتن در تاریخ ایران ماندگار شد.

تا قبل از کودتای ۱۳۳۲ علیه دولت دکتر مصدق، آمریکا در ایران دارای جایگاه و تأثیرگذاری آنچنانی نبود. بعد از دخالت در کودتای ۲۸ مرداد و کمک به شاه و برکناری مصدق، آمریکا به پشتیبان رژیم تهران و ایران به زاندارم منطقه و هم پیمان و حافظ منافع آمریکا در منطقه بدل گشت.

بعد از انقلاب ملیتهای ایران و تاراج دستاورد آن توسط آخوندها و بر سرکار آمدن رژیم جمهوری اسلامی، حمله به سفارت آمریکا در ۱۳ آبان و گروگان گیری دیپلماتهای آمریکا، سرآغاز شروع تنش و تیرگی در روابط دو کشور بود و خمینی در آن روزها اعلام داشت: "ما رابطه با آمریکا را می خواهیم چه کنیم؟"

موضعگیریهای تندروانه خمینی علیه آمریکا و شعار حذف اسرائیل از روی نقشه جهان و مبارزه با امپریالیسم و استکبار جهانی و "شیطان بزرگ" خواندن آمریکا در آن روزها افکار عمومی را برای قطع رابطه با آمریکا بسیج نمود و سبب تیره تر شدن این روابط شد.

اتفاقاتی از جمله قبیل عملیات صحرای طبس، حمله ایران به نفتکش های عربی و واکنش آمریکا و منهدم نمودن کشتی های جنگی ایران و سکوی نفتی ساسان، انهدام هواپیمای مسافربری پرواز شماره ۶۵۵ ایران، وابط را بیدجیده تر کرد و از سوئی ماجرای ایران - کنترا (ماجراجویی که ایران با کمک دلالان بین المللی مقادیری موشک و قطعات هواپیما از آمریکا خریداری نمود) اقدامی در جهت برقراری دوباره رابطه ایران

با آمریکا به شمار می آید.

در دوران خاتمی اقداماتی برای عادی سازی روابط انجام گرفت، از جمله دعوت تیم ملی کشتی آمریکا به ایران که روزنامه جمهوری اسلامی در آن زمان، پرنده شدن تیم ملی آمریکا و به اهتزاز در آمدن پرچم این کشور را باعث شرمساری دانست که از قضا پرچم "شیطان بزرگ" در تهران به اهتزاز در آمد. از دیگر اقدامات می توان به ابراز تأسف مادلین آلبرایت در رابطه با کودتای ۲۸ مرداد اشاره نمود.

ولی مسأله هسته های ایران و مواضع خصمانه و تندروانه احمدی نژاد، روابط بین دو کشور را تیره و تلاشها برای گفتگو را ناکام گذاشت. شاید در این سالها بتوان مذاکرات فرستادگان آمریکا و ایران در بغداد بر سر برقراری صلح در عراق یا نشستهای کشورهای ۱+۵ با ایران در مورد مسئله هسته های این کشور را گامی در مسیر روابط دو کشور دانست.

پافشاری ایران بر ادامه غنی سازی اورانیوم و فعالیتها گمان برانگیز اتمی و خواست شورای امنیت برای توقف کامل این فعالیتها باعث شده است که برگی تازه در رابطه ایران و آمریکا و به ویژه تقابل جهان با رژیم ایران رقم بخورد.

در سال ۲۰۰۶ کنگره آمریکا، ایران و احمدی نژاد را تهدیدی علیه آمریکا و امنیت ملی این کشور دانست.

نشستهای بدون نتیجه کشورهای ۱+۵ با ایران و صدور ۶ قطعنامه شورای امنیت و اعمال ۴ دوره تحریم علیه این کشور، تحریم های جداگانه اتحادیه اروپا و آمریکا، که از آن جمله می توان به تحریم کمرشکن بانک مرکزی و نفت و گاز ایران اشاره نمود که درآمد نفتی این کشور را به طرز چشمگیری کاهش داده و نمود آن را می توان در افزایش بی رویه قیمتها در داخل کشور و سقوط ارزش ریال در برابر دلار دید. اوپاما

در نخستین جلسه مطبوعاتی بعد از انتخابات ریاست جمهوری اظهار داشت: "در رابطه با ایران، من خواهان راه حلی دیپلماتیک برای این مشکل هستم". در همین رابطه، هنری کسینجر از وزرای امور خارجه پیشین آمریکا در مقاله ای در روزنامه واشنگتن پست نوشته است: "متوقف کردن تلاش ایران برای دستیابی به توانایی اتمی نظامی باید مهم ترین اولویت دوره جدید ریاست جمهوری باراک اوپاما باشد. کسینجر در این باره همچنین نوشته است: "همزمان با پیشرفت برنامه اتمی ایران، از فرصت موجود برای اجرای موفقیت آمیز دیپلماسی کاسته می شود. به گفته او، روند گفت وگوهای اتمی با ایران باید هر چه زودتر به "نقطه تصمیم" برسد. این در حالی است که هنوز غیر از شعار و وعده های توخالی برای گرفتن وقت، هیچ اقدام مثبتی از سوی ایران صورت نگرفته است. ضعف مدیریت داخلی در سالهای اخیر تأثیر تحریم های کم سابقه بین المللی را تشدید نموده و مقاومت ایران در برابر جامعه جهانی روز به روز بر دامنه تحریمها می افزاید. رژیم با چالشی جدی در خارجه از مرزها و در داخل کشور دست به گریبان است، نیروهای هم پیمان آن منطقه ایش در حال نابودی یا تغییر موضع هستند و رژیم برای بقاء ناچار است به اقداماتی دست بزند که با رویه سیاست گذاری قبلی اش سنخیتی نداشته باشد، ولی بایستی دانست که این امر یعنی برقراری رابطه با آمریکا همچون شمشیری دو لبه است، اگر این امر وارد فاز عملی شود، رژیم تهران بایستی در برابر خواستهای غرب و آمریکا تسلیم شود و در غیر این صورت و با در پیش گرفتن رویه مقاومت در برابر غرب، موج تحریمها شدیدتر و وسیع تر خواهد شد (با فرض اینکه حمله ای نظامی علیه رژیم تهران صورت نگیرد) که این امر نیز باعث از هم گسیختگی رژیم از درون خواهد شد.

فاجعه ای ناگوار کشتار مردم روستاهای کردستان

ناصر صالحی اصل



حقوق ملی و ایجاد حکومت خودگردان محلی بوده، برای تحمیل قدرت پوشالی خود در کردستان با اعزام نیروهای سرکوبگر به کشتار دسته جمعی مردم بی گناه و بی دفاع روستاهای کردستان پرداخت. در تاریخ ۱۸ و ۲۷ آبانماه ۱۳۶۰ با حمله وحشیانه و مغول آسای نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی به روستاهای بایزیدآباد از توابع نرده و صوفیان از توابع پیرانشهر، دهه تن از مردم بی دفاع به شهادت رسیدند و مزدوران رژیم حتی از کشتن بچه های خردسال هم دریغ نکردند.

اهداف رژیم از کشتار دسته جمعی مردم بی دفاع روستاهای کردستان، از یک سو سرکوب و شکست جنبش ملی - دموکراتیک مردم کرد و تلاش برای سرکوب نیروی پیشمرگ کردستان و از سوی دیگر و نشان دادن ضدیت با جنبش رهایی بخش ملت کرد

آن مطلع گردند و هم مراکز دفاع از حقوق بشر، از این جرم و جنایت رژیم جمهوری اسلامی نسبت به مردم کرد آگاه شوند. لذا تلاش همه جانبه جهت شناساندن این امر مهم و وظیفه هر انسان میهن پرست در حال حاضر می باشد.

بود.

لذا بایستی در عصر کنونی فجایع کشتار دسته جمعی مردم بی گناه و بی دفاع روستاهای کردستان مورد بازبینی و بحث قرار گیرد تا هم فراموش نگردد و هم خاطرات این فجایع غیرانسانی به نسل جوان منتقل گردد و از

مسأله ایران و موضع گیری در قبال آن یکی از محورهای اساسی انتخابات ریاست جمهوری آمریکا و مناظرات میان اوپاما و رقیبش رامنی بود. بعد از انتخاب مجدد باراک اوپاما به عنوان ریاست جمهوری آمریکا، برقراری روابط میان رژیم تهران و دولت آمریکا به تیتیر خبری رسانه ها تبدیل شد. روابطی که اگرچه سخن از آن شاید ساده به نظر برسد ولی این امر با مسائلی همچون پرونده اتمی ایران، حمایت ایران از تروریسم در منطقه، ضدیت و دشمنی ورزیدن رژیم تهران با اسرائیل و از آن سو حمایت آمریکا از اسرائیل، دخالت ایران در امور کشورهای منطقه و استراتژی رژیم از آغاز تا اکنون یعنی آمریکاستیزی و اسرائیل ستیزی و اعمال تحریمهای آمریکا و متحدانش، مسئله حزب الله و حماس و ... گره خورده است که برای برقراری چنین رابطه ای بایستی تمام این موارد مد نظر قرار بگیرند.

در روزهای گذشته موافقان و مخالفان این امر در دایره ی قدرت حاکم بر ایران به اظهار نظر پرداخته و هر کدام به نوعی در این باره ابراز نظر نموده اند.

افراد از جمله احمدی نژاد، صادق و جواد لاریجانی، منوچهر متکی و محسن رضایی از لزوم عادی سازی روابط با آمریکا و امکان گفتگو با این کشور دفاع کرده اند و علی اکبر صالحی با تأیید تماس های میان دو طرف گفتگو را منوط به تصمیم خامنه ای دانسته است. از دیگر سو، کسانی دیگر از جمله فرماندهان سپاه و پیروان حلقه به گوش خامنه ای، به موافقان این امر حمله نموده و به لفاظی پرداخته اند.

اگرچه باراک اوپاما در اولین نوروز بعد از انتخابش در دور اول به عنوان رئیس جمهور، پیشنهاد عادی سازی روابط را ارائه نمود، ولی خامنه ای در پاسخ به آن، دست آمریکا را دستی چدنی و این اقدام آمریکا را بی معنا

ملیت های ایران پس از سرنگونی رژیم شاهنشاهی، امیدوار بودند که ثمره ی دهه سال مبارزه در راه آزادی و دموکراسی حاصل گردد و در سایه یک سیستم دموکراتیک به آمال و آرزوهای دیرین خویش برسند. اما با استقرار رژیم جمهوری اسلامی و قبضه کردن حاکمیت و قدرت، انتظارات مردم بر باد رفت.

مردم کردستان در طول مبارزات خود همیشه خواستار آزادی و دموکراسی بوده و برای سرنگونی سیستم دیکتاتوری از هیچ تلاش و کوششی دریغ نکرده اند. همچنین از همه فرصت ها به نفع تأسیس یک سیستم دموکراتیک و تأمین حقوق ملی خویش استفاده نموده اند. اما خواسته های دموکراتیک مردم آزادیخواه و حق طلب کرد همیشه با زندان، اعدام و کشتار دسته جمعی پاسخ داده شده است.

رژیم تازه تأسیس جمهوری اسلامی به بهانه حمایت مردم روستاهای کردستان از فرزندان غیور پیشمرگ در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران که علمدار تأمین

آگری اسماعیل نژاد

اخیراً بحثی در رسانه‌ها مطرح است که بودجه سال ۹۲ جمهوری اسلامی بر پایه مالیاتهای اخذ شده از مردم بسته خواهد شد.

چند صباحی است که بسیاری از کارشناسان سیاسی در پی آنند که رابطه‌های منطقی بین رژیمهای نفتی و دیکتاتوری پیدا کنند که عده‌ای از آنها بر این عقیده‌اند اگر نظامهای سیاسی از لحاظ اقتصادی به مردم خود وابسته باشند، پاسخگوتر خواهند شد.

هر چند باید این را قبول کنیم که وجود ثروتی بادآورده و کلان در کشورهای نفت‌خیز می‌تواند موجب شکل‌گیری زمینه دیکتاتوری در چنین کشورهایی باشد، اما اگر نگاه خود را بر این اساس به ایران مطوف کنیم، پی خواهیم برد که نفت در ایران در ماجراجویی‌های رژیمهای دیکتاتور و توتالیتر حاکم بر آن نقش اساسی داشته ولی فقدان ثروتهای نفتی در این کشور به منزله وجود و یا حتی زمینه شکل‌گیری نظامی دمکراتیک نبوده است.

همچنانکه قبل از سال ۱۹۷۰ ایران فاقد نظامی دمکراتیک بوده است و در آن زمان نفت و فراورده‌هایش ثروت زیادی برای رژیم فراهم نکرده بود. پس باید گفت، رابطه بین رژیمهای دیکتاتور با ثروت بادآورده رابطه‌ای بسیار پیچیده و تودرتو است.

نوشته را با این پرسش ادامه می‌دهیم: بودجه‌بندی بر اساس مالیات اخذ شده از مردم در دولت جمهوری اسلامی در این مقطع زمانی چه مفهومی می‌تواند داشته باشد؟

تحریکهای اقتصادی نه تنها از ارزش ریال، واحد رسمی پول جمهوری اسلامی کاسته و جامعه اقتصادی ایران را با چالش روبرو کرده است، بلکه مردم و جامعه ایران را نیز با تومی طاق‌تفرسا روبرو کرده و حتی بر پایه اعلام رسانه‌ها از ماجراجویی جمهوری اسلامی در عرصه‌های بین‌المللی و حمایت این رژیم از جریانات تروریستی کاسته است.

پس در اولین جواب این پرسش باید گفت: آنچه‌ان که پیش‌بینی می‌شد، تحریکها اقتصاد و سیاست جمهوری اسلامی را با چالش روبرو کرده و از ماجراجویی سیاسی این رژیم نیز کاسته است.

مالیات دهندگان در حکومت توتالیتر



حکومت "قدرتمند" حکومتی است که از ارتباط تنگاتنگی با جامعه و شهروندان برخوردار بوده و قدرت این حکومت به فرمانبرداری مردم از آن وابسته نیست، بلکه به توانایی حکومت در همکاری با سایر مراکز قدرت در اجتماع بستگی دارد.

دولت جمهوری اسلامی جزء نظامهای سخت است و این رژیم نه تنها فاقد قدرت همکاری با قدرتهای اجتماعی است، بلکه ماندگاری خود را بر پایه سرکوب قدرتهای اجتماعی بنیاد نهاده است. رژیمهای که از چنین خصالتی برخوردارند، برای اجرای قوانین وضع شده به زور و اجبار نیازمندند. جمهوری اسلامی نیز از این قاعده مستثنی نیست. این رژیم خواهان دخالت در همه امور مردم است. آنها حتی برای چگونگی پوشش مردم نیز قوانینی وضع کرده‌اند و برای اجرای این قوانین از زور و اجبار استفاده می‌کنند.

در این صورت، ما با پرسشی دیگر روبرو می‌شویم: حکومتی که برای اجرای قوانین تصویب شده، به اعمال زور متوسل می‌شود، آیا توان اخذ مالیات از مردم را دارد یا نه؟ و اگر جواب بله است، این قانون چگونه اجرا خواهد شد؟

در خلال بیش از سه دهه عمر جمهوری اسلامی در ایران، برای بیشینه نمایان است که این رژیم از قدرت همکاری با مراکز قدرت اجتماعی برخوردار نبوده و رژیم توتالیتر اسلامی در ایران پایه‌های خود را بر اساس سرکوب و قدرت سخت بنیاد نهاده است و قوانین وضع شده را از طریق سرکوب به کرسی عمل می‌نشانند. پس باید انتظار داشت این قانون نیز به همان شیوه عملی گردد.

جدای از این مسئله در اینجا باید اظهار کرد که آنچه رژیمهای دیکتاتور نفتی را از اخذ مالیات منصرف می‌نماید، بی‌میلی به افزایش ثروت و دادن امتیازی اقتصادی به مردم نیست، بلکه نبود سیستمی قدرتمند در نظام اداری برای اخذ این مالیات به مراتب دلیلی تأثیرگذارتر از

در ادامه با این پرسشی مواجه می‌شویم که در کشوری که پایه اقتصادی آن بر اساس درآمدهای نفتی گذاشته شده، آیا در نبود این درآمد می‌توان به آسانی مالیات را جایگزین نمود؟

بر همگان نمایان است که اقتصاد ایران بر پایه درآمد نفت و گاز شکل گرفته و بیشتر درآمدها و گمرکاتی که اخذ می‌شود، در واقع در پی تزریق درآمد نفتی به اقتصاد ایران به وجود آمده‌اند. حال که تحریکهای جهانی درآمدهای نفتی ایران را هدف گرفته است، در اقتصادی که درآمد نفتی اساس آن باشد و این درآمد از طریق اعمال تحریکهای جهانی با چالش روبرو شود، بی‌گمان گزینه اخذ مالیات بیشتر و یا نظم دادن به سیستم اخذ مالیات نمی‌تواند گزینه مناسب باشد، چون در واقع تحریکها سرچشمه درآمدها را قطع کرده است در این صورت دولت باید از کدام درآمد مالیات اخذ نماید؟

همزمان با مشکلات ذکر شده، رژیم با مسئله دیگری نیز روبروست: در بحران کنونی اقتصادی در ایران پرداخت نکردن مالیات می‌تواند به منزله امتیازی برای مردم و جامعه اقتصادی باشد تا آنها بتوانند در شرایط بحرانی کنونی ماندگاری بهتری داشته باشند، پس اخذ مالیات در واقع اگر به مفهوم سلب این امتیاز نباشد - حال قانونی باشد یا غیره قانونی - مفهوم تنگتر شدن عرصه اقتصاد را دارد و این در کوتاه مدت می‌تواند جامعه و اقتصاد ایران را با چالشی وسیعتر از آنچه هست، روبرو نماید.

در ادامه باید به مقوله چگونگی اخذ مالیات در جوامع دیکتاتور و توتالیتر نفتی نیز توجه کرد.

نزیه ابویی در کتابش "اغراق درباره حکومتهای عربی" حکومتها را به دو دسته قدرتمند و سخت تقسیم می‌نماید و در تبیین این دو حکومت می‌نویسد: "حکومتها سخت به شکل مرکزی و مداخله‌ای عمل کرده و دانما می‌خواهند مقرارت جزئی موردنظر خود را در بخشهای اجتماعی و اقتصادی اعمال کنند" او

بقیه مسائل است و این مسأله نیز برای اجرای قانون مالیات به منزله سدی عمل خواهد کرد.

اما همزمان با این مسائل، جمهوری اسلامی با مشکلی دیگر روبروست: به علت عدم پرداخت مالیات در طول سالیان گذشته، در حال حاضر در فرهنگ اقتصادی مردم ایران و جوامع و کشورهای مشابه آن، پرداخت مالیات، مفهوم اخذی دولت را دارد و دیکتاتورهای نفتی با این مشکل نیز (که به صورت یک فرهنگ اقتصادی خود را نمایان کرده است) روبرو هستند و باید انتظار داشت که دوزندهای مالیاتی بیشتر از گذشته رژیم را به چالش بطلبند.

نبود همکاری با قدرتهای اجتماعی و نبود نظام اداری قدرتمند و قانونمدار و نیز فرهنگ عدم پرداخت مالیات در گذشته سدها و مشکلاتی هستند که در به اجرا گذاشتن قوانین مالیاتی در ایران، رژیم اسلامی باید از آنها بگذرد.

با استناد به دلایل فوق گمان می‌رود که رژیم اسلامی ایران در این مرحله نیز همچون گذشته به قدرت سخت اتکا نماید و این می‌تواند مفهوم سرکوب وسیعتر و همچنین اتکای بیشتر به نیروی نظامی و نیز آمیختن تر شدن فضای عمومی و اقتصادی ایران را در بر داشته باشد.

در پایان، باید گفت که اخذ مالیات بیشتر و یا نظم دهی به سیستم اخذ مالیات از مردم و بودجه‌بندی بر اساس آن، هر چند در ظاهر عملی غیر قانونی نیست، اما مفهوم سرکوب بیشتر و وسیعتر جامعه را دربر دارد و از آنجا که سرکوب وسیع رژیم در گذشته و حال، جامعه مدنی و قدرتهای اجتماعی ایران را با بحران روبرو کرده است، در این شرایط نه تنها اخذ مالیات به هیچ‌وجه به منزله شکل‌گیری دولتی پاسخگو نیست، بلکه به مفهوم سازش رژیم با قدرتهای اجتماعی نیز نبوده و جمهوری اسلامی همچون گذشته این قدرتها را در برابر خود می‌بیند.

اما عدم پرداخت مالیات از طرف مردم می‌تواند رژیم، دستگاه سرکوب و سیاستهای ماجراجویانه داخلی و خارجی آن را با چالش اساسی روبرو نماید و ضعف رژیم در سرکوب به مفهوم قدرت‌گیری نیروهای اجتماعی موجود در جامعه ایران است و این رژیم را با چالش جدی‌تری روبرو خواهد کرد.

۱: ص ۳۱ مجله مهرنامه ش ۶ ج تهران، آبان ۱۳۸۹
۲: همان

انتخاب مجدد باراک اوباما و عملکرد آتی او در خاورمیانه

معتصم نورانی

انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا بعد از قریب به یک سال رقابت بین دو حزب دمکرات و جمهوری خواه، سرانجام روز سه‌شنبه شانزدهم آبان‌ماه ۱۳۹۱ به پایان رسید. همان طور که صاحب‌نظران پیش‌بینی کرده بودند، برای بار دوم باراک اوباما، کاندیدی حزب دمکرات پیروز شد و برای چهار سال آینده سکندار کاخ سفید خواهد بود.

میت رامنی شکست خورده به روال اصول و عرف دمکراسی شکست خود را در میان طرفدارانش اعلام کرد و با نهایت بردباری پیروزی باراک اوباما را به او تبریک گفت. البته این عملکرد میست رامنی بخشی از فرهنگ و تمدن و احترام به دمکراسی و همچنین احترام به آراء و نظرات مردم آمریکاست. در حالی که در ایران، نه تنها به نظرات و اندیشه‌های مردم کوچکترین ارجی نمی‌نهند، بلکه رای مردم توسط دست‌اندرکاران رژیم آخوندی پایمال می‌شود و جای آزاداندیشان در پشت میله‌های آهنین زندانهاست. بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۱۳۸۸ که مردم به خیابانها آمدند و شعار دادند که "رای ما کجاست؟" مأموران رژیم تظاهرات خیابانی را به خاک و خون کشیدند و به شدت سرکوب کردند. جمعی از آزادیخواهان را کشته و زخمی و بازداشت کردند.

با انتخاب مجدد باراک اوباما به ریاست جمهوری آمریکا نظرات متفاوتی درباره سیاست

و عملکرد او در خاورمیانه مخصوصاً در مورد ایران بر سر زبانهاست. به علت اینکه در چهار سال گذشته در مورد مسائل داخلی ایران و مسئله برنامه اتمی ایران به اندازه کافی و آنچه‌ان که شاید و باید عمل نکرده است. اوباما از لحاظ سیاست خارجی در خاورمیانه با چالشهای مهم از قبیل اختلافات فلسطین و اسرائیل، بحران اتمی ایران و مسئله کرد روبروست.

بحران اسرائیل و فلسطین بیش از نیم قرن است که ادامه دارد. جنیند رئیس‌جمهور آمریکا قسول داده‌اند که این مسئله را به نحو احسن خاتمه دهند، اما رفتند و مشکلات و معضلات فلسطینی‌ها همچنان به جای خود باقی است. اگر چه اوباما قول داده بود تا سال ۲۰۱۱ این مسئله را فیصله دهد اما او هم تاکنون به وعده خود وفا نکرده و بیشتر جانب اسرائیل را گرفته است.

باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا روز چهارشنبه با حضور در سازمان ملل متحد و سپس از آن در دیدار جداگانه با محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین، روشن‌تر از هر زمان دیگر تصریح کرد که ایالات متحده آمریکا تلاش فلسطینی‌ها را در متوسل شدن به سازمان ملل متحد برای درخواست پذیرش عضویت کشور فلسطین وتو خواهد کرد. آمریکا با دخالت شورای امنیت در روند نزاع فلسطین - اسرائیل مخالف است.

در جریان بحران سوریه که مدت ۲۰ ماه است ادامه دارد بیشترین از ۳۶هزار کشته و صدها هزار آواره بی‌خانمان گشته و به کشورهای مجاور پناهنده شده‌اند. این مسئله یکی از مسائل

حساس خاورمیانه است، زیرا آمریکا از یک طرف نگران آنست که شعله‌های آتش آن به کشورهای همسایه کشیده شود و به جنگ تمام عیار منطقه‌ای مبدل شود و از طرفی دیگر بعد از سقوط رژیم بشار اسد، افراط‌گرایان مذهبی و جهادپها قدرت را به دست گیرند. آمریکا تاکنون در مورد سوریه مردد است. حتی شورای امنیت نیز در مورد سوریه سکوت اختیار کرده است.

ایران که یکی از حامیان سرسخت سوریه است، به شدت خواهان تداوم جنگ سوریه است. ایران هم در داخل کشور با مشکلات جدی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی روبروست و هم با دخالت در امور کشورهای همسایه و با تقویت جبهه شیعه و هم از لحاظ بحران برنامه‌ای اتمی در صدر برنامه‌ی کار آمریکا و کشورهای اتحادیه اروپا قرار دارد. اوباما در چهار سال اول ریاست جمهوری خود چند مسئله‌ی مهم را در برنامه کار خود قرار داده بود. حال نیز بر این باور است که برنامه هسته‌ای ایران باید از طریق گفتگو و به صورت مسالمت‌آمیز حل و فصل شود و علاقهای برای کشاندن آمریکا به یک برخورد نظامی با ایران ندارد و گزینه‌ی نظامی در برابر ایران را همچنان روی میز کارش نگاه داشته است. او برنامه‌ای برای تغییر رژیم ایران ندارد و هدفش تغییر رفتار رژیم جمهوری اسلامی ایران است و سعی می‌کند که اسرائیل را از حمله به ایران برحذر دارد. در عین حال متعهد شده است که در صورت حمله نظامی اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران از اسرائیل حمایت کند و در دوران حکومت خود به ایران اجازة خواهد داد که به

سلاح اتمی دسترسی پیدا کند. اوباما سعی می‌کند که با شیوه مسالمت‌آمیز با مشکلات خاورمیانه برخورد کند و وجهه "آمریکای جنگ‌طلب تجاوزکار" را که میراث ده‌ها سال دخالت نظامی در کشورهاست، تغییر دهد.

باراک اوباما که در نخستین جلسه مطبوعاتی پس از انتخابات صحبت می‌کرد، گفت: "در رابطه با ایران، من خواهان راه حل دیپلماتیک برای حل این مشکل هستم. قبل از مبارزات انتخاباتی گفته بودم، در طول مبارزات انتخاباتی گفتم، حالا هم می‌گویم که ما اجازه نخواهیم داد که ایران به سلاح اتمی دست پیدا کند. اما هنوز یک محدوده زمانی وجود دارد که این مسئله را به طور دیپلماتیک حل کنیم. باید راهی برای بهره‌گیری ایران از انرژی صلح‌آمیز هسته‌ای داشته باشد که مغایر با تعهدات بین‌المللی این کشور نباشد."

با این همه بر اساس گزارش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ایران مشغول غنی‌سازی اورانیوم است. در سه ماه گذشته تعداد سانتریفیوژها در نیروگاه فردو به اندازه یک سوم افزایش یافته و حتی برای افزایش تولید اورانیوم با غنای ۲۰درصد در سایت فردو، نصب سانتریفیوژها در این تأسیسات به پایان رسیده است. از طرف دیگر مقامات ایران به شدت مشغول برنامه اتمی خود هستند و از طرف دیگر آمریکا مشغول تشدید تحریم‌های اقتصادی است و اوباما هم بر نظرات خود مبنی بر عدم دستیابی ایران به سلاح اتمی پافشاری می‌کند. در این میان ایران بر سر دو راهی قرار دارد که مجبور است از برنامه‌ی اتمی خود عدول کند وگرنه با مشکلات داخلی و

احترام به حق تعیین سرنوشت، معیار صداقت در آزادیخواهی

سلام اسماعیل پور



است و از شورای اقتصادی و اجتماعی حقوق بشر خواست که در این مورد پیگیری‌های لازم را به عمل بیاورد. همچنین در معاهده تکمیلی آن یعنی معاهده ی شماره ۵۴۵ در تاریخ پنجم فوریه سال ۱۹۵۲ مسأله گنجاندن حق تعیین سرنوشت تمامی ملل را جهت تثبیت اصول عهدنامه بین‌المللی حقوق بشر به تصویب رساند. این بند تمامی دولت‌ها را به تلاش برای تأمین این حقوق، همگام با اهداف و آرمان‌های سازمان ملل و معاهده ۶۳۷ در شانزدهم دسامبر ۱۹۵۲ و معاهده ۴۳۷ در شانزدهم دسامبر ۱۹۷۰ دوره پنجم مجمع عمومی اهمیت فوق‌العاده‌ای پیدا می‌کند. زیرا در آن به حق تعیین سرنوشت و ملت‌های مستعمره اشاره گردیده و بر لزوم پایان دادن فوری و بدون قید و شرط به استعمار و اشغال سرزمین‌ها در هر نوع آن اصرار شده است و مجمع عمومی در مقدمه‌ی اعلام این قطعنامه بر لزوم تأمین شرایط لازم جهت احترام به حق تعیین سرنوشت ملت‌ها تأکید کرده و افزوده است که تمامی ملت‌ها به طور کامل و مطلق حق دارند برای حاکمیت سرزمین و وطن خود و همچنین برپایی کشور واحد تلاش نمایند.

در ماده ۱ ميثاق بين‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶) و ماده ۱ ميثاق بين‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) حق تعیین سرنوشت به شرح ذیل توضیح داده شده است:

— حق تعیین سرنوشت، حق تمامی ملت‌هاست. لذا ملت‌ها حق دارند آزادانه ساختار رژیم سیاسی خود را بر مبنای اصول توسعه‌ی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی‌شان انتخاب نمایند.

— ملت‌ها جهت رسیدن به اهداف خود بدون هیچ قاعده‌ی از پیش تعیین شده و بدون اینکه سازمان‌های همکاری اقتصادی و بین‌المللی هیچ گونه محدودیتی بر آن‌ها تحمیل کنند و با تکیه بر اصول صلح و قوانین بین‌المللی می‌توانند به شیوه‌ی آزادانه از منابع و ثروت طبیعی خود بهره مند شوند و در هیچ شرایطی ملت‌ها نباید از کمک و یاری دیگران محروم شوند.

— دولت‌های عضو این پیمان، آن‌هایی که در برابر اداره سرزمین‌های غیر مستقل و سرزمین‌های تحت کفالت مسئولند، باید بر اساس جوهر و برنامه‌های سازمان ملل برای عملی کردن پروژه‌ی حق تعیین سرنوشت و احترام به حقوق تعیین شده تلاش نمایند.

علاوه بر این، قطعنامه شماره ۲۶۲۵ اول اکتبر ۱۹۷۰ مجمع عمومی به ارتباط دوستانه‌ی بین دولت‌ها اشاره کرده و اظهار می‌دارد: "تمامی ملت‌ها حق دارند سرنوشت خود را تعیین کنند و تمامی جهان‌یان باید به این حق احترام بگذارند" لذا حق تعیین سرنوشت نه تنها ملل خواستار رهایی از سلطه بیگانه و استعمار، بلکه آن دسته از ملل را نیز شامل می‌شود که علیه نژادپرستان، ستمگران و چپاولگران برای حفظ منابع و منافع ملی خود مبارزه می‌کنند، چرا که ملتی که در سرزمینی زندگی می‌کند، صاحب اموال و منابع آنجا نیز هست.

طبق این معیار حق تعیین سرنوشت در ساز و کارهای بین‌المللی دارای چندین شکل و سیمای مختلف بوده و حقوق مشمول در این طرح بدین شیوه متجلی می‌شود:

- تقسیم هر سرزمینی باید با مشورت و رأی مردم آن سرزمین صورت گیرد.
- هر ملتی حق دارد رژیم سیاسی خود را تعیین کند.
- ملت باید از هرگونه دخالت خارجی در امان باشد.
- ملت باید از سلطه قدرتی که به آن ستم می‌کند، رهایی یابد.
- در سال ۱۹۷۵ بیانیه‌ی اختتامیه‌ی کنفرانس

هلسنکی پشتیبانی قاطع خود را از این که حق تعیین سرنوشت تنها عکس‌العملی در برابر استعمار ملت‌ها نبوده، بلکه حق تمامی ملت‌ها جهت تعیین سرنوشت و انتخاب رژیم‌های داخلی و ارتباط با دولت‌های خارجی می‌باشد، اعلام داشت.

علاوه بر این، اعلامیه‌ی جهانی سال ۱۹۷۹ حقوق ملت‌ها در الجزیره نیز اگرچه قانوناً دولت‌ها را ملت‌ها نمی‌کند اما از نظر حقوق بشر و نیز حقوق ملت‌ها سندی اساسی و کامل می‌باشد.

در پایان همین اعلامیه اشاره می‌شود که به هر حال ملت‌هایی وجود دارند که در بعضی از شرایط تاریخی به دولتی الحاق شده‌اند حال چه دولت مذکور پیش از الحاق ملت یاد شده وجود داشته یا بعد از آن پدید آمده باشد، در نتیجه این امر ملت یا ملت‌های الحاق شده حق تعیین سرنوشت خود را هم در حوزه‌های داخلی و هم در حوزه‌های خارجی از دست می‌دهند در هر مرحله‌ای که این ملت‌ها خواسته باشند به حق تعیین سرنوشت خود تحقق بخشند موانعی بر سر راهشان قرار گرفته است راه را بر آنها سد کرده و به احترام گذاشتن به حاکمیت دولت‌های حاکم بر خود ملت‌ها شده‌اند. در چنین شرایطی لازم است که جامعه‌ی بین‌المللی برای احترام و حفظ قوانین و اهداف پیمان‌نامه‌های سازمان ملل جهت تأمین حق تعیین سرنوشت ملت‌ها فعالیت ساز و کارهای خود را توسعه دهد زیرا تأمین حق تعیین سرنوشت عامل اساسی برای ایجاد امنیت و صلح جهانی می‌باشد و این همان اهدافی است که سازمان ملل متحد نیز در راستای آن تأسیس گردیده است.

در سال ۱۹۹۰ نیز سازمان امنیت و همکاری اروپا در کنفرانس پاریس، حق تعیین سرنوشت را پایه‌ی اساسی برای امنیت در اروپا به شمار آورد و در سال ۱۹۹۳ در جلسه سازمان ملل متحد در وین حق تعیین سرنوشت را به عنوان مرکزی‌ترین حقوق بشر در بیانیه خود گنجانیدند و در بیانیه خود حق تعیین سرنوشت را پیش نیاز تحقق حقوق بشر و آزادی‌های اساسی انسان اعلام نمودند.

در سطح منطقه‌ای نیز ماده ۲۰ و ۲۱ منشور آفریقایی حقوق بشر و ملتها بطور مفصل درباره حمایت از حق تعیین سرنوشت سخن رانده‌اند. اما پیشتر از این اسناد در بند ۲ ماده ۱ و مواد ۵۵، ۷۳ و ۷۶ منشور سازمان ملل متحد، حق تعیین سرنوشت را مورد حمایت قرار داده‌اند.

هویت صاحبان حق تعیین سرنوشت در مصاد مربوطه با عبارت «تمامی خلقها» (All peoples) مشخص شده است. مادامی که معنا و مفهوم این اصطلاح را به دولت-ملتهای موجود

تبعیض نژادی یا ستم ملی که در موارد بحرانی ممکن است رهایی آنان از وضع موجود، مستلزم نقض اصل احترام به تمامیت ارضی بازیگران عرصه روابط بین‌المللی یا همان دولتها باشد.

(بر اساس این اصل، تمام دولت‌ها باید در روابط بین‌المللی خود از تهدید یا کاربرد زور علیه تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی یکدیگر خودداری کنند. بر همین مبنا بود که برخی دولت‌ها از جمله صربستان و ایران عقیده داشتند که اعلامیه استقلال کوزوو مغایر اصل تمامیت ارضی است).

در ماده یکم ميثاق بين‌المللی حذف تمام اشکال تبعیض نژادی آمده است: "واژه تبعیض نژادی به معنای هر گونه تبعیض، محرومیت، محدودیت و یا امتیازی بر مبنای نژاد، رنگ، اصل و ریشه ملی یا قومی که بمنظور لغو کردن و یا آسیب رساندن به شناسائی و برخورداری و اجرای تساوی حقوق بشر و آزادیهای اساسی در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌های مربوط به زندگی عمومی تلقی می‌شود."

همچنین در مقدمه کنوانسیون بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی سازمان ملل متحد آمده است: "با توجه به اصولی که در منشور ملل متحد اعلام شده است، شناسائی حیثیت ذاتی و حقوق برابر و غیر قابل انتقال کلیه اعضاء خانواده بشر، مبنای آزادی، عدالت و صلح در جهان است، نظر به اینکه، حقوق مذکور ناشی از حیثیت ذاتی شخص انسان است، با توجه به اعلامیه جهانی حقوق بشر، کمال مطلوب انسان آزاد، بهره مندی از آزادی سیاسی، مدنی و رهایی از ترس می‌باشد و دستیابی به این شرایط فقط به وسیله بهره مندی هر کس از حقوق سیاسی و مدنی خود و نیز حقوق فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی میسر است..." سپس در ماده یکم تصریح می‌کند که "تمام ملتها حق خودمختاری دارند. به واسطه این حق، آنها وضعیت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و توسعه فرهنگی خود را آزادانه تعیین می‌کنند."

لذاست که از دیدگاه حقوق بین‌الملل نیز تعهد ملتهای تحت ستم به حفظ تمامیت ارضی کشورها موجود، تعهدی منوط به تأمین حقوق، آزادیها، کرامت و حیثیت ذاتی آنها بوده و اصلی لا یتغیر (حتی به قیمت نابودی و نقض تمامی این ارزشهای بشری) تلقی نمی‌شود.

این در حالیست که پامال کردن حق تعیین سرنوشت خلقها (به هر دستاویزی ولو حفظ تمامیت ارضی) از طرف کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل به عنوان جنایت بین‌المللی تلقی شده و مستوجب پیگرد حقوقی دانسته شده است.

محدود نماییم، حق مزبور به تعهد دولتها برای احترام به حاکمیت یکدیگر و اجتناب از مداخله در امور یکدیگر تفسیر می‌شود؛ اما هنگامی که خلفها و اجتماعات غیر مستقل خواستار دستیابی به نوعی از خودگردانی می‌شوند، نقض فاحش دیدگاه حقوقی خاصی که اصطلاح «مردم» را با «دولتهای موجود» یکسان می‌انگارد، نمایان می‌شود.

اعلام استقلال بالاترین درجه از حق تعیین سرنوشت یک ملت است که در جایگاهی بسی رفیعتر از فدرالیسم یا انواع مختلف خودگردانی خودمختاری قرار دارد. در این رابطه، جریانات مرکزگرای ایرانی همواره با استناد به برخی از قواعد حقوق بین‌الملل همچون احترام به تمامیت ارضی یا حاکمیت دولتها، چنین حقی و حتی مطالبه نازلترین درجات خودگردانی محلی را تجزیه طلبی خوانده و لاجرم در ردیف یک جرم حقوقی بین‌المللی به شمار می‌آورند.

در این رابطه بد نیست به رأی دیوان دادگستری بین‌المللی لاهه در رابطه با درخواست نظر مشورتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد از این مرجع حقوقی بین‌المللی در رابطه با "مغایرت با عدم مغایرت اعلامیه یکجانبه استقلال کوزوو با حقوق بین‌الملل" اشاره کنیم.

این دیوان بنا به درخواست مشورتی مجمع عمومی سازمان ملل متحد درباره اعلامیه استقلال کوزوو، صرفاً باید مشخص می‌کرد که آیا اعلامیه استقلال ناقض حقوق بین‌المللی یا قانون خاص (Lex Specialis) ایجاد شده توسط قطعنامه ۱۲۴۴ شورای امنیت است یا خیر؟

با توجه به ملاحظات فوق، دیوان اعلام نمود که حقوق بین‌الملل عمومی در بردارنده ممنوعیتی نسبت به اعلامیه‌های یکجانبه استقلال نیست و در نتیجه اعلامیه ۱۷ فوریه ۲۰۰۸ مبنی بر استقلال کوزوو از صربستان، حقوق بین‌الملل عمومی را نقض نکرده است.

همچنین دیوان یادآور شد که خطاب این قطعنامه (و اصولاً تمامی قطعنامه‌های شورای امنیت) به دولت‌های عضو و نهادهای مربوطه سازمان ملل است و متداول نیست که شورا از بازیگرانی غیر از دول عضو سازمان ملل متحد و سازمانهای به اصطلاح بین‌المللی درخواستی داشته باشد.

در رابطه با این ادعا که تفسیر فعالان ملیتهای تحت ستم از حق تعیین سرنوشت، در تضاد با اصل احترام به تمامیت ارضی کشورها به عنوان بخش مهمی از نظام حقوقی بین‌المللی قرار دارد، از نظر دیوان قلمرو اصل تمامیت ارضی محدود به روابط بین دولتهاست و این آنها هستند که ملت‌ها به رعایت این اصل در تعامل با یکدیگر هستند، نه بازیگران غیر دولتی یا همان ملتهای تحت

در راستای همکاری بیشتر نیروهای دمکرات و مترقی ایران بکوشیم

نقش ایران در جنگ غزه

فاتح صالحی

به گفته ی ویکتوریا نولند، سخنگوی وزارت خارجه ی ایالات متحده ی آمریکا، رژیم ایران نقشی مخرب و موزیانه در غزه دارد و در این خصوص گفته است: "دوباره تأکید می‌کنم ایران نقشی مخرب و موزیانه نه تنها در منطقه به طور عام بلکه به شکلی واضح و آشکار در مسئله غزه ایفا می‌کند. آشکار است اگر مسئولان رژیم ایران از این کار دست بکشند به نفع همه ی طرفهای موجود خواهد بود. امری که ما اعتقاد داریم ایران از آن دست نخواهد کشید."

به گفته ی برخی از کارشناسان منطقه، ایران نقشی موزیانه به خاطر فرافکنی افکار عمومی جهان بر مسئله ی سوریه و انتقال آن به غزه برعهده گرفته و در این ارتباط و برای اثبات این مدعا به اظهارات آخوند ابوترابی، نایب رئیس مجلس شورای اسلامی رژیم ایران اشاره می‌کنیم که اظهار داشته: "این قدرت نیروهای مسلح ایران است که از غزه سر بیرون آورده است."

این در حالی است که پیشتر علاءالدین بروجردی مسئول کمیسیون امنیت مجلس شورای اسلامی رژیم ایران، اعلام کرده بود، کمکهای ایران به غزه تنها کمکهای معنوی را شامل می‌شود و ایران در راستای تجهیز و تسلیح شاخه‌های نظامی حماس هیچ اقدامی نکرده است. اما دولت دو روز پس از این ادعای مسئولان رژیم، دو موشک فجر ۵ که ساخت ایران است، از سوی گردانهای عزالدین قسام، شاخه ی نظامی سازمان حماس به سوی اسرائیل شلیک شد. اینها همه نمایانگر این واقعیت است که رژیم ایران از هر طریقی در تلاش است که جغرافیای جنگ را از خاک سوریه به خارج از مرزهای سوریه منتقل کند و از این طریق افکار عمومی را نسبت به فجاج سوریه منحرف نماید و بر این اساس زمینه را برای مسئولان حکومت بشار اسد هموار سازد تا برنامه‌های جدیدی را به منظور سرکوب گسترده ی مردم سوریه به خصوص پس از تشکیل ائتلاف ملی تازه به رهبری معاذالخطیب و آمادگی برای احتمال حمله ی نظامی کشورهای غربی، طرح ریزی نماید. از همین رو برای رسیدن به این هدف ضروری بود که دایره ی بحرانهای موجود در منطقه وسیعتر گردد و در این میان از غزه بهتر مکان دیگری را سراغ نداشتند تا اینگونه جنگ را در آن برافروزند و افکار عمومی جهان را به سوی غزه معطوف کنند.

شکرالله بابان، گوینده نام آشنای کرد در گذشت

از آن نیز چنین برنامه ای تحت عنوان "کاروان شعر و موسیقی" به زبان فارسی از رادیو تهران پخش می شد. شکرالله خان پس از اینکه در سال ۱۹۶۳ به کرمانشاه منتقل شد، برنامه "کاروانی هه لبه ست و گورانی" را تهیه و اجرا می نمود.

این گوینده با سابقه کرد در رابطه با آشنایی و دیدارش با شکرالله بابان می گوید: زمانی که برای نخستین بار در اردیبهشت ماه ۱۹۶۳، شکرالله خان از تهران به کرمانشاه منتقل شد، از نزدیک با وی آشنا بودم و وی را نمی

شناختم، وی در رادیو تهران برنامه اجرا می کرد و ما نیز در رادیو کرمانشاه به زبان کردی برنامه اجرا می کردیم، اما از نزدیک وی را ندیده بودم و فقط صدایش برایم آشنا بود، در آن زمان وی ۴۲ یا ۴۳ سال از عمرش می گذشت، هنگامی که به رادیو آمد مردی خوش مشرب و اغلب بشاش بود که با خوشرویی جلو آمد و پرسید: "تو محمد کمانگر هستی؟" گفتیم: بله، گفت: من شکرالله بابان را شنیدم من بنابر صدای بم و مردانه ای که داشت، تصور دیگری از او در ذهنم داشتم و می پنداشتم که صاحب این صدا باید مردی تنومند و بلند قامت باشد، اما چنین نبود. با یکدیگر روبوسی کردیم و گفتیم: بسیار مشتاق بودم که شما را از نزدیک ببینم. نامه ای به من نشان داد و گفت: من به کرمانشاه منتقل شده ام و برنامه ها بایستی تحت نظر من تهیه و پخش گردد و من سرپرست این برنامه خواهم بود.

کمانگر همچنین افزود: از آن زمان تا روزی که در سال ۱۹۶۸ شکرالله بابان به ریاست رادیو ارومیه رسید و ما را ترک نمود روزگار خوشی در کنار یکدیگر سپری نمودیم که سراسر آن سرشار از خاطرات شیرین است. روحش شاد و یادش گرامی باد.

گویندگان نیز برنامه هایی اجرا می نمود از جمله: "وه رن کوردی فیر بین" یعنی لهجه های کردی را با یکدیگر مقایسه و گویشهای مختلف کردی را بیاموزیم. برنامه دیگری نیز بود که نویسندگی آن بر عهده من بود و او نیز با ما همکاری داشت. در تمامی بخشها فعالانه خدمت می کرد و حتی گاه خود داستانهایی می نوشت، از جمله داستان "حه مه شوان" و دهها داستان دیگر که خود نیز در آنها به ایفای نقش می پرداخت و با ما همکاری می نمود. از لحاظ سنی ۲۰ سال از من بزرگتر بود و من در آن زمان گوینده جوانی بودم، او نیز همانند گوینده ای جوان با ما رفتار می کرد و برای بهبود و پیشرفت برنامه ها هر کاری که از دستش برمی آمد، در همکاری با ما انجام می داد.

کمانگر می گوید، این راهی است که همگی ما محکوم به بیمودن آن هستیم، انسان روزی به دنیا می آید و روز نیز از این دنیا می رود، خوشبختانه شکرالله بابان نام نیکی از خود به یادگار گذاشت، کسی که به فرهنگ و زبان خود خدمت نموده و خدمات وی بدون تردید از خاطر مردم نخواهد رفت.

کمانگر در رابطه با ایده برنامه "کاروانی هه لبه ست و گورانی" به گویندگی شکرالله بابان و صدای حسن زیرک، خواننده نامدار کرد می گوید: این برنامه نیز از ایده های شکرالله بابان بود، البته پیش

کمانگر در رابطه با آشنایی با این گوینده قدیمی افزود، در سال ۱۹۵۹ میلادی که شکرالله بابان در سنجاق اقامت داشت، برای کار در بخش کردی رادیو به تهران دعوت می شود و در آنجا به عنوان مسئول بخش کردی آغاز به کار می کند که در آن زمان میدیا زندگی به عنوان همکار با وی کار می کرد. خسروخان شیخکانلو به عنوان گوینده بخش کرمانجی و حسن زیرک نیز به عنوان خواننده با وی همکاری

شکرالله بابان، گوینده نام آشنای رادیو کردی کرمانشاه، ساعت ۱۲:۵ یکشنبه شب گذشته، در منزل شخصی خود در میدان گلایه های تهران دیده از جهان فروبست و روز یکشنبه ۲۸ آبانماه در قطعه ی هنرمندان و نامداران قبرستان تهران به خاک سپرده شد.

شکرالله بابان در سال ۱۳۰۲ در شهر سنندج دیده به جهان گشود و در ۲۷ آبانماه ۱۳۹۱ به دنبال بیش از ۵ دهه خدمت به فرهنگ و ادب کردی درگذشت. وی فعالیتهای رادیویی خود را در سال ۱۳۳۴ در تهران آغاز نمود و به عنوان گوینده، تحلیلگر، شاعر، نویسنده و مترجم و

مدیر کل صداوسیما استانهای آذربایجان غربی، کرمانشاه و سنندج فعالیت کرده است. نامبرده دارای مدرک کارشناسی در سه رشته الهیات، ادبیات فارسی و جغرافیا بود.

در این رابطه محمد کمانگر، گوینده با سابقه و از دوستان قدیمی شکرالله بابان، به خبرگزاریها گفت: "پیشاپیش در گذشت شکرالله بابان را به شنوندگان قدیمی رادیو کردی کرمانشاه تسلیت می گویم که در آنجا شکرالله خان بابان سالها در کسوت گوینده ای خوش صدا و توانا به عنوان مسئول برنامه "کاروانی هه لبه ست و گورانی" خدمات ارزنده ای انجام داد. همچنین درگذشت وی را به عنوان کسی که به فرهنگ و زبان کردی خدمت نموده است به تمامی شنوندگان کرد زبان این رادیو و شیفتگان زبان و فرهنگ کردی و همچنین به خانواده شکرالله خان بابان تسلیت می گویم."

وی همچنین افزود، شکرالله بابان در دو سال اخیر دچار نوعی بیماری شده بود که بر اثر آن توان حرکتی خود را از دست داده و حتی قادر به شناختن دوستان و اطرافیانش نیز نبود و حتی خانواده خود را نیز به خوبی نمی شناخت. انسانی فعال، باهوش و توانا بود که متأسفانه در چند سال اخیر به علت کهولت سن و بیماری در جامعه منزوی شده بود.